

عطر کتاب در مدرسه

نرگس سجادیه

عضو هیأت علمی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

دید. از پس این نگاه است که کم‌کم سرخوشی کودک در لابه‌لای صفحات آغاز می‌شود، تفکر از میان کلمات کتاب خود را نشان می‌دهد و جان می‌گیرد و خیال در هر برگ کتاب به اوج خود می‌رسد. پرسش اینجاست که این جور دیگر نگرستن به کتاب در مدرسه چگونه است؟

در این نوشتار، پای صحبت معلمانی^۲ نشستیم که دل به دریا زده‌اند، چشم‌ها را شسته‌اند و کتاب را از دریچه‌ای دیگر نگرسته‌اند. معلمانی که تلاش کرده‌اند کتاب را نه در حصار درس و بحث رسمی، بلکه در فضایی فراخ از اندیشه و احساس بنگرند و آن را در کلاس و مدرسه خود بازتعریف کنند. در این فضا، کتاب جان گرفته، پای ثابت بسیاری از فعالیت‌های تربیتی شده، همراه خود، رویدادهای مبارکی از رشد اندیشه و احساس و خیال را به کلاس آورده و لحظه‌لحظه تربیت را از شور و لذت سرشار ساخته است.

در این میان، ابتدا از اقدامات و بایسته‌هایی خواهیم گفت که می‌تواند غریبگی ما را با کتاب بزدايد و سپس، نمونه فعالیت‌هایی را بیان می‌کنیم که بر محور کتاب تکوین یافته‌اند.

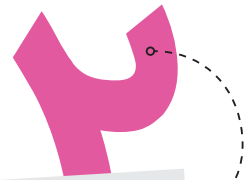
گاهی در نزدیکی مدرسه ما، در کلاسی شبیه به کلاس ما و با معلمانی از جنس خودمان، مواردی پیش می‌آید که می‌تواند مدرسه، کلاس، معلمی و تربیت ما را از نو تعریف کند و روحی تازه در کالبد آن بدمد. قرار است برخی از این تجربه‌ها را با هم مرور کنیم و برخی شیرینی‌هایشان را بازگو کنیم و لذت آن را میان خودمان تقسیم کنیم که گفته‌اند «وصف‌العیش نصف‌العیش».

کتاب‌خوان‌ها می‌گویند مطالعه کتاب، یکی از لذت‌های وصف ناشدنی زندگی آدمی است. لحظاتی که می‌توان با کتاب، از مکان و زمان حال فاصله گرفت و به زندگی‌ها و زمان‌های دیگر سفر کرد، لحظاتی است که گویی جزئی از لحظات عمر به حساب نمی‌آید و باید حساب آن را به پای بازیگوشی‌های روح و تنفس در هوای حیاتی دیگر گذاشت.

از سوی دیگر، شاید بتوان گفت یکی از محوری‌ترین مؤلفه‌های تربیت است که البته امروزه در مدارس ما با خوانشی معیوب، به کتاب درسی منحصر شده و در انواع دیگرش، حاشیه‌نشین قفسه‌ها و زندانی کتابخانه‌هاست. از همین روست که برای دیدن کتاب، چشم‌ها را باید شست و جور دیگر باید

کتاب‌های غیردرسی را دریابیم

اصل نخست در آمیختن مدرسه با طعم کتاب، این است که حصار درس‌های رسمی و کتاب‌های آموزشی و کمک‌آموزشی مرسوم را بشکنیم و کلاس و تربیت خود را در افقی بالاتر جایابی کنیم. کتاب درسی در عین اهمیت، به دلیل یگانه بودن و عمومی بودن ممکن است نیازهای خاص شاگردان ما را نادیده انگارد، علایق آن‌ها را به حساب نیاورد و معنایی به زندگی آن‌ها نبخشد. تکیه زیاد بر این ستون غریبه با زندگی بچه‌ها، کم‌کم می‌تواند «مای» معلم را هم با آن‌ها غریبه سازد و کلاس را به کالبدی بی‌روح بدل کند. در مقابل، کتاب‌های غیردرسی به دلیل رهایی از قید و بندهای رسمیت، تنوع زیاد و تکوین در فضای ادبیات کودک، می‌توانند سفره‌های رنگین، متنوع، دل‌انگیز و طبیعی از مضامین و روش‌ها را پیش روی ما بکشایند. آن وقت است که می‌توان برحسب نیاز و سلیقه، دست به انتخاب زد و طعم کتاب را زیر زبان مزه‌مزه کرد. پس لطفاً کتاب‌های غیردرسی را در فهرست مخاطبان دوست‌داشتنی‌تان جا دهید.

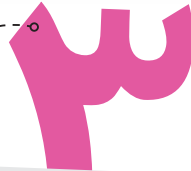


کتابها را از زندان کتابخانه‌ها نجات دهیم

اصل دوم در پراکندن عطر کتاب در مدرسه، رهاسازی کتابها از گوشه‌نشینی در قفسه‌های خاک خورده است. قدیمی‌ها گفته‌اند: از دل برود هر آنچه از دیده برفت... بنابراین، کتابها را جلوی چشم خودمان و بچه‌ها در قفسه‌هایی قابل دسترس و منتشر در مدرسه قرار دهیم. به‌نظر می‌رسد در یک دبستان، تنها برخی از کتابهای مرجع که قابل امانت نیستند و لازم است تحت تدابیر ویژه‌ای نگهداری و استفاده شوند، باید در کتابخانه باشند. بقیه کتابها باید در قفسه‌هایی در دسترس کودکان و در کلاس‌ها- قلب تربیت- گذاشته شوند تا در جریان تربیت و در جریان فعالیت‌ها و بحث‌های مختلف، به تناسب انتخاب شوند و مورد استفاده قرار گیرند.

مثلاً هنگامی که کتاب «دانش‌های علمی برای کودکان» در کلاس باشد، می‌توان در میانه تدریس درس «هوا» به آن مراجعه کرد، آزمایش ساده ساخت مار را انتخاب کرد و شوری تازه در رگ‌های کلاس جاری ساخت. وقتی بچه‌ها با دنبال کردن دستورالعمل کتاب، مارهایشان را می‌کشند و با قیچی می‌برند و رنگ می‌کنند، آهسته‌آهسته، لذت علم‌آموزی و کتاب‌خوانی در جان‌شان می‌نشیند و هنگامی که جریان هوا را در پیچش مارهایشان به نظاره می‌نشینند، نسیم دانستن و یادگیری را با تمام وجود حس می‌کنند.

وقتی در مورد فرهنگ یک کشور- مثلاً ژاپن- سخن می‌گوییم، می‌توانیم متناظر با آن کتاب «آشپزی ملل» را از قفسه کلاس برداریم. پرچم ژاپن را از روی کتاب ببینیم و نقاشی کنیم، در مورد لباس‌های مردمش گفت‌وگو کنیم، غذاهای مورد علاقه مردم آن کشور و دستور پخت‌هایشان را مرور کنیم. حتی می‌توانیم بخشی از کلاس را به اجرای مراسم چای ژاپنی اختصاص دهیم یا برای هفته آینده یکی از غذاهای ساده ژاپنی را درست کنیم و به کلاس بیاوریم و یادگیری فرهنگ آن کشور را برای بچه‌ها دلبذیر و معنادار سازیم...



طرح رفاقت همگانی معلمان با کتابهای غیردرسی را آغاز کنیم

اسارت کتابها در کتابخانه و تدفین محتوایشان در ذهن کتابدار، آن‌ها را گام‌به‌گام به مرگ نزدیک‌تر می‌کند. برای احیای این کالبد رو به موت، نه تنها باید کتابها را از کتابخانه نجات داد بلکه نباید گذاشت محتوای آن‌ها تنها در ذهن کتابدار باقی بماند. برای این کار خوب است کتابها را نقل مجلس خود سازیم. در هر گفت‌وگویی میان معلمان از کتابها و محتوایشان بگوییم و در مورد ظرفیت‌هایشان بحث کنیم. این بحث‌ها و گفت‌وگوها، به تدریج مضامین کتابها را در ذهن معلمان می‌نشانند و طرح رفاقت با کتاب را محقق می‌سازد.

در نتیجه همین رفاقت است که داستان «یک چیز دیگر» در جریان کلاس مطالعات اجتماعی یا تفکر و پژوهش، می‌تواند کودکان را نسبت به همسالان متفاوت یا خاص خود، حساس و مهربان‌تر کند یا حس همدلی بیشتری در آن‌ها برانگیزد...

در اثر همین رفاقت است که معلم می‌تواند ترس یک کودک را در لابه‌لای قصه «ایزی و راسو» دریابد و او را با جلوه‌هایی از شجاعت مواجه کند. در دل این رفاقت، برای بسیاری از گره‌های کور تربیتی راه چاره خواهیم یافت و برای دردهای بی‌درمان تربیتی‌مان، مرهم و درمان خواهیم جست.

* بی‌نوشت

۱. البته این نوشته‌ها بیشتر ناظر بر پیش‌دبستان و دبستان‌اند.
۲. این نوشته بیشتر براساس گفت‌وگو با مربیان و معلمان مجموعه «خانه یادگیری رها» و مشاهده فعالیت‌های تربیتی آنان نگاشته شده است.